آینه

کیهان

چرا هلیم حواشی را هم می‌زنند؟

● **محمد صرفی:** عبید زاکانی آورده است مردی ادعای خدایی کرد. حاکم وقت فرمان داد حبسش کنند. فردی بر او گذر کرد و با ملامت گفت: جای خدا در زندان باشد؟ مرد زندانی جواب داد: خدا همه‌جا باشد!

این حکایت امروز دولت اعتدال و حامیان مدعی اصلاحات آن است. راهی که می‌رفتند به بن‌بست خورده و وعده‌هایی که می‌دادند به جایی نرسیده اما طوری حرف می‌زنند و برخورد می‌کنند که اگر کسی نداند گمان می‌کند یا دو روز است که بر سرکار آمده‌اند و یا تمام وعده‌های خود را عملی کرده‌اند. جناب آقای رئیس‌جمهور در جلسه هفته پیش هیئت دولت گفته است «نباید برخی از تندروی‌ها و مسیرهای غیردقیق که مردم را آزار می‌دهد در جامعه اجازه بروز پیدا کند، چراکه مردم به اندازه کافی با غصه و سختی مواجه هستند و نباید اجازه داد که براساس بی‌دقتی‌ها غصه جدیدی بر مردم وارد شود». مطرح‌کردن چنین سخنانی هرچند عجیب اما دور از انتظار نیست. وقتی حرفی برای گفتن و کارنامه‌ای برای ارائه نباشد باید به حاشیه‌ها چنگ انداخت و پناه برد. یک روز ازدواج دختری کم‌سن‌وسال را به مسئله اول کشور و مردم تبدیل می‌کنند و فریاد وا اسفا سرمی‌دهند و یک روز دیگر بر موج غائله «دختر آبی» سوار می‌شوند و حضور زنان در ورزشگاه را مسئله اول کشور می‌کنند.

ریاست‌جمهوری

دهه‌های گمشده اقتصاد ما

دکتر فرخ قبادی: در اواخر سال ۱۹۹۱ و اوایل سال ۱۹۹۲ ژاپن دچار بحرانی شد که با ترکیدن حباب قیمت دارایی‌ها آغاز شد و بانک‌های این کشور را که طی سال‌های قبل از آن، بی‌محابا و به پشتوانه ارزش حبابی آن دارایی‌ها وام‌های کلان داده بودند، در معرض ورشکستگی قرار داد. دولت و بانک مرکزی ژاپن وارد ماجرا شدند و سرمایه‌های هنگفتی به بانک‌ها تزریق کردند تا از ورشکستگی آنها جلوگیری شود و سرنوشت محتوم آنها به تعویق افتد. در حقیقت بانک‌ها به «بانک‌های زامبی» (مرده‌های متحرک) تبدیل شدند که فقط با کمک بانک مرکزی می‌توانستند به حیات خود ادامه دهند. در همان زمان «بلومبرگ» نوشت که یکی از دلایل تداوم رکود و کسادی طولانی اقتصاد ژاپن همین بانک‌های زامبی بودند؛ از جمله به این دلیل که همچنان به شرکت‌های شدیدا بدهکار وام دادند و به نوبه خود «بنگاه‌های زامبی» را زنده نگه داشتند. رکود و کسادی بیش از ۱۰ سال ادامه یافت و عبارت «دهه گمشده» ژاپن از آن زمان بر سر زبان‌ها افتاد. در حقیقت ۱۲ سال طول کشید تا تولید ناخالص داخلی این کشور به سطح سال ۱۹۹۵ برسد. اما پایه‌های مستحکم صنعت ژاپن سرانجام اوضاع را کم‌وبیش به روال عادی بازگرداند، هرچند ترکش‌های آن بحران هنوز هم نظام مالی این کشور را آزار می‌دهد.

اعتماد

طرح اصلاح ازدواج کودکان

طیبه سیاوشی: فقر اقتصادی، آموزشی و فرهنگی موجب شده پدیده ازدواج کودکان در برخی مناطق کشور به یک مسئله اجتماعی مهم تبدیل شود و چنانکه روشن است تا وقتی هم برای رفع فقر آموزشی، فرهنگی و اقتصادی کار جدی صورت نگیرد این پدیده به قوت خود باقی خواهد ماند. کمتر از دو سال پیش برای همفکری در این زمینه خدمت خیلی از علما رفتیم. یکی از علمایی که به‌صراحت ازدواج کودکان را مورد نقد قرار دادند، آیت‌الله مکارم شیرازی بودند. البته برخی از آقایان دیگر هم دراین‌باره مخالفت کردند و این مخالفت را شفاها اعلام کردند. مثلا یکی از روحانیان ازدواج کودکان را مشمئزکننده خواندند که البته به دلیل شفاهی‌بودن اظهارنظر ایشان از ذکر نام‌شان خودداری می‌کنم، اما به‌هرحال آقای مکارم‌شیرازی به‌صراحت فتوای‌شان را مکتوب کردند و ازدواج زیر ۱۳ سال را باطل اعلام کردند. فتوای آیت‌الله مکارم شیرازی برمبنای فقه پویای شیعه ارائه شده است، یعنی شرایط زمان و مکان را در این رابطه لحاظ کرده‌اند. ما هم براساس نظر ایشان طرحی را که دنبال می‌کردیم که ازدواج کودکان زیر ۱۳ سال به‌طور کامل ممنوع شود. الان براساس قانون ازدواج دختران زیر ۱۳ سال ممنوع است مگر با اجازه ولی قهری و دادگاه صالحه. تمام تلاش ما این بود که همین قید «مگر» حذف شود و ازدواج برای دختران کمتر از ۱۳ سال و پسران کمتر از ۱۵ سال ممنوع شود. براساس آن طرح پیشنهادی ازدواج دختران بین ۱۳ تا ۱۶ و پسران ۱۵ تا ۱۸ سال به شرط اجازه ولی قهری و دادگاه صالحه مجاز شمرده می‌شد، اما متأسفانه مخالفان طرح با اتهامات بی‌پایه و اساس ما را به ضدیت با موازین مذهبی و تأثیر از سبک زندگی غربی متهم کردند. مخالفان هر روز علیه ما نوشتند. بحث را سیاسی کردند و آن‌قدر حاشیه درست کردند که استدلال‌های طراحان شنیده نشد.

صداوسیما مدعی نقش دولت و شورای هماهنگی اقتصادی در تشکیل دادگاه‌های ویژه شد

دولت تکذیب کرد

عکس: اکبر توکلی، ایرنا

شرق: حجم بالای مفاسد اقتصادی، نام‌های افراد مطرح و ذی‌نفوذ به‌عنوان متهمان این پرونده‌ها، سرعت پایین دستگاه قضا در رسیدگی‌های قضائی و کمبود نیرو و قاضی متخصص و باتجربه و موارد دیگر دست به دست هم داده بودند تا از زمان آغاز بررسی‌های قضائی و تحقیقات در دادسرا تا صدور حکم قطعی در محاکم صالح سال‌ها طی شود و مجازات و محکمه کارکرد خود را از دست بدهند و اعتماد عمومی درباره اثربخش‌بودن مجازات و دادگاه خدشه‌دار شود؛ ازاین‌رو لازم بود تدبیری برای رسیدگی به این حجم از پرونده‌های مفاسد اقتصادی اندیشیده شود که تشکیل محاکم ویژه رسیدگی‌کننده به مفاسد اقتصادی راهکار صادق آملی‌لاریجانی بود. نامه ۱۲ماده‌ای او به مقام معظم رهبری برای سرعت‌بخشیدن به رسیدگی‌های قضائی با تأیید مقام معظم رهبری اجرائی شد. این محاکم با نگاهی ویژه بدون وجود حق اعتراض به حکم دادگاه تشکیل شدند و طبق بند ۱۲ نامه آملی لاریجانی تا دو سال هم دوام خواهند داشت. در این محاکم که مرحله تجدیدنظرخواهی را به طور کامل حذف کرده است و جز در مواردی که حکم اعدام صادر شود؛ آن‌هم از طریق دیوان عالی کشور امکان اعتراض وجود ندارد.

در بند پنجم این نامه نیز مقرر شده است که فقط وکلای مورد تأیید قوه قضائیه طبق تبصره ماده ۴۸ بتوانند در این پرونده‌ها وکالت کنند که همین امر سبب بازار داغ و پررونقی برای تعداد کمی از وکلا شد که توانسته بودند مورد تأیید دستگاه قضا باشند و حق‌الوکاله‌های بالا دستاورد همین بند از نامه بود.

با همه نقدهایی که وجود دارد، پرونده‌های مفاسد اقتصادی کلان با سرعت چشمگیری در حال رسیدگی هستند و احکام هم در حال اجرا است. به گفته وزیر دادگستری از زمان تشکیل شعب دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرائم اخلالگران اقتصادی، ۹۶۱ نفر تحت تعقیب قرار گرفتند و ۲۶۰ نفر محکوم شدند و دیگر پرونده‌ها نیز در دست رسیدگی در دادسرا یا دادگاه است.اما در یک برنامه صداوسیما به‌شدت به این محاکم نقد وارد شده و مسبب آن‌هم دولت مطرح شده است که بسیاری قوانین آیین دادرسی کیفری را نادیده انگاشته و زمینه ایجاد چنین محاکمی را فراهم کرده است. نقدی که یک نکته مهم با خود داشت و آن دیده‌شدن ایرادات این محاکم از سوی صداوسیما بود؛ اما حمله اشتباهی به دولت نتیجه مهم‌تری به دنبال داشت و آن پاسخ دولت بود که نشان داد آملی‌لاریجانی به‌تنهایی تصمیم به چنین اقدامی گرفته است.

روابط‌عمومی ریاست‌جمهوری برخی مطالب ذکرشده در برنامه «بدون توقف» شبکه ۳ سیما را شامل «ابهام‌آفرینی، اتهام و دروغ» علیه دولت خواند و برای اطلاع مردم، توضیحاتی را منتشر کرد. در بخش پایانی این اطلاعیه آمده است: «گفته شد که در این شورا طرح دادگاه‌های جدید علیه اخلال اقتصادی بدون درنظرگرفتن قوانین مربوط به آیین دادرسی به رهبری پیشنهاد داده شد و ایشان موافقت کردند که این‌هم کاملا برخلاف واقع است. رئیس قوه قضائیه وقت طرحی را در جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی مطرح کردند که ایرادهای فراوانی به آن طرح در همان جلسه مطرح شد. پس از آن جلسه، رئیس قوه قضائیه وقت، طرح‌شان را مستقیم برای رهبری فرستادند و معظم‌له نیز تأیید کردند».همان زمان برخی از نمایندگان مجلس با انتقاد از عمل آملی‌لاریجانی معتقد بودند قوه قضائیه می‌توانست با ارسال لایحه‌ای به مجلس و همراهی نمایندگان با آن راه قانونی ایجاد این محاکم را طی کند؛ اما او روش خود را برای حل مشکلات قوه قضائیه داشت.

علی مطهری، نماینده مجلس شورای اسلامی، در یادداشتی نوشت: «بهتر بود رئیس قوه قضائیه قوانین و احکام مورد نیاز را از طریق مجلس به دست می‌آورد. قوه قضائیه می‌توانست از راه لایحه یا طرح دوفوریتی به خواسته‌اش برسد و نباید کاری می‌کرد که مجلس را دور بزند. مجلس برای مدت موقت و معین اختیاراتی را به قوه قضائیه برای مبارزه با تخلفات اقتصادی در شرایط امروز می‌داد و مشکل این قوه حل می‌شد. نباید به هر بهانه‌ای متوسل به حکم حکومتی شویم. حکم حکومتی در جایی است که راه قانونی وجود نداشته باشد. ممکن است بگویند زمان را از دست می‌دادیم، پاسخ این است که تفاوت زمانی آن از زمان ارائه طرح دوفوریتی تا تأیید شورای نگهبان پنج تا ۱۰ روز است. این مدت ارزش استفاده از حکم حکومتی را نداشت و اصولا اصل بر این است که همه کارها براساس قانون انجام شود و اگر لازم است برای مدت موقت قوانین خاص مغایر قوانین موجود داشته باشیم، این استجازه باید از مجلس انجام شود. اقدام عجولانه قوه قضائیه برای بسیاری از نمایندگان قابل درک نیست».

حسین قربانزاده، حقوق‌دان نیز در یادداشتی که در سایت الف منتشر شد با نقد نکات مثبت و منفی نامه آملی‌لاریجانی نوشته بود: «اما وقتی ۱۲ بند این نامه را تجزیه و تحلیل می‌کنیم، در می‌یابیم که جنس این بندها متفاوت هستند. بندهای یک، دو و سه بدون استجازه از رهبری و مطابق مقررات و قوانین موجود از اختیارات رئیس قوه قضائیه است و در بندهای چهار تا ۱۰ اختیاراتی فراتر از قانون برای رسیدگی به پرونده‌های یادشده در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال در بند پنج، آمده است: «مفاد تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری درخصوص وکیل، در دادگاه نیز مجری خواهد بود». این بند به روشنی اختیار مضاعفی به رئیس قوه قضائیه می‌دهد که علاوه بر محدودیت انتخاب وکیل از سوی موکل در مرحله تحقیقات مقدماتی جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، به وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضائیه، در مرحله دادگاه نیز چنین محدودیتی استمرار داشته باشد و در این مرحله نیز متهم صرفا از میان همان وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضائیه برای خود وکیل انتخاب کند. اما درخصوص سه بند ابتدایی نامه به‌ویژه بند سه درخصوص علنی‌بودن و انتشار جلسات دادگاه بر مقررات موجود تأکید شده و به عبارت دیگر تحصیل حاصل است».او در پایان یادداشت خود نیز این‌گونه نتیجه‌گیری کرده بود که «درمجموع به نظر می‌رسد، اشاره رئیس قوه قضائیه به جنگ اقتصادی در صدرنامه و استجازه جهت کسب اختیاراتی به منظور رسیدگی قاطع و سریع در موارد یادشده، حکایت از عزم جدی دستگاه قضائی برای محاکمه و مجازات اخلالگران نظام اقتصادی کشور دارد. اگرچه باید این موضوع را به فال نیک گرفت اما شاید حالا فرصت مناسبی باشد که درخصوص تکلیف قانونی دستگاه قضائی مندرج در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هم پرسش شود که تاکنون چند حکم قطعی جرائم اقتصادی مصرح در این تبصره که موضوع آنها بالای صد میلیون تومان است و قانون‌گذار، قوه قضائیه را مکلف به انتشار احکام آنها کرده است، در رسانه‌ها منتشر شده است؟!».

علیرضا آذربایجانی، حقوق‌دان و کیل دادگستری نیز در گفت‌وگو با ایسنا، در ارزیابی از برگزاری دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی، با بیان اینکه «مسئله برخورد با فساد و جرائم اقتصادی و قاطعیت در برخورد را باید با انتقاد نسبت به نحوه برخورد قضائی با این جرائم از همدیگر تفکیک کرد»، گفت: به عبارت دیگر مفروض است که به همه جرائم و مخصوصا جرائم اقتصادی سنگین در شرایط حادی که الان وجود دارد، باید با قاطع‌ترین شرایط برخورد کرد، اما آنچه مسلم است ما یک سازمان قضائی در کشورمان داریم و مجموعه‌ای از دادگاه‌ها؛ اینکه ما در شرایطی با توجیه وضعیت خاص بیاییم با اخذ اذن و مجوز خاص و بدون طی شرایط قانون‌گذاری در کشور یک مرجع قضائی را به شکل خاص به نام دادگاه تشکیل دهیم، اولا این دادگاه از جهت ویژگی تأسیس مورد پذیرش نیست و اگر قرار است که دادگاه ویژه‌ای تشکیل شود باید با سیر قانون‌گذاری در مجلس و تأیید نهاد نظارتی شورای نگهبان به تصویب برسد، بنابراین این اولین ایراد ما به نحوه تشکیل این دادگاه‌هاست. وی افزود: مسئله دومی که وجود دارد بحث «قطعی‌بودن اکثر احکامی که این دادگاه‌ها صادر می‌کنند» است؛ به عبارت دیگر وقتی در حال حاضر در ساختار قضائی‌مان یک دعوای مالی در حد یک میلیون تومان یا یک موضوع کیفری در حد مجازات تعزیری به راحتی می‌تواند قابل تجدید نظر باشد، قطعیت احکام این دادگاه‌ها به جز موارد استثنائی نقطه ضعف بزرگی است که بر این دادگاه‌ها و شیوه رسیدگی آنها وارد است.

در همان زمان که انتقادات به برخی موضوعات مربوط به این محاکم وجود داشت، آملی‌لاریجانی در پاسخ به انتقادها گفته بود این مجوز به پاره‌ای صلاحیت‌ها و مواردی مربوط است که قانون موجب اطاله دادرسی می‌شده است. به اعتقاد وی درخواست آن مجوز، «در راستای رفع برخی ابهامات و ترمیم پاره‌ای کاستی‌ها در برخورد با مفاسد بود والا اصل برخورد با مفاسد اقتصادی نه نیازی به استجازه داشت و نه در واقع چنین استجازه‌ای صورت گرفته است».

به هرحال آنچه مهم است عمل رئیس قوه قضائیه در زمان مدیریتش است که امروز انتقاداتش نصیب دولتی شده که سهمی در تصمیم آملی‌لاریجانی نداشته و منتقد تصمیم او هم بوده است.

اعطای مجوز وکالت طبق ماده ۱۸۷، فاقد محمل قانونی است

سیدحمیدرضا موسوی . وکیل پایه یک دادگستری

مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضائیه اخیرا با انتشار اطلاعیه‌ای (با شرایط بسیار عجیب مثل عدم ضرورت فارغ‌التحصیل‌بودن و داشتن کارت پایان خدمت) مبادرت به انتشار آگهی برگزاری آزمون مشاوره حقوقی و وکالت جهت جذب عنوان وکیل و مشاور حقوقی کرده است. ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه که در سال ۱۳۷۹ ضمن قانونی عمرانی به تصویب مجلس وقت رسید؛ همچون سایر مواد همان قانون از جمله قوانین موقت و مقید به مدت معین بود که متأسفانه اجرای آن به ناروا و تا زمان حاضر همچنان به صورت متناوب ادامه یافته و اقدام اخیر آن مرکز در جهت جذب وکیل آن هم با تشبث به آیین‌نامه اجرائی مترتب بر قانونی منسوخ مصوب ریاست سابق قوه قضائیه مصداق بارز قانون‌گریزی و اصرار بر تداوم امری با استفاده از اهرم‌های حاکمیتی است. رئیس سابق قوه قضائیه در روزهای آخر مسئولیت خویش آیین‌نامه‌ای جدید را برای اجرای ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه در روزنامه رسمی ابلاغ کرد که به موجب آن، نحوه جذب وکیل و کارشناس رسمی دادگستری توسط مرکز را تبیین کرد. این در حالی است که قوه قضائیه و تبعا مرکز امور مشاوران وابسته به آن قوه با انقضای مدت اعتبار ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه و به‌واسطه فقد ردیف بودجه، محملی مشروع و قانونی جهت وکیل ندارد و آیین‌نامه مزبور به جهت منسوخ‌بودن قانون فاقد وجاهت قانونی است زیرا:

اولا: برنامه پنج‌ساله، همان‌گونه که از تعریف آن در بند ۳ ماده یک قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ برمی‌آید یک «برنامه عمرانی پنج‌ساله» است؛ به این ترتیب قوانینی که در قالب برنامه‌های عمرانی پنج‌ساله از تصویب مرجع قانون‌گذاری می‌گذرد، صرفا قوانینی موقتی است که اجرا و اهداف مربوط به اجرای آنها نیز صرفا در خلال همان مدت قابل ایصال بوده و خارج از مواعد مربوطه- جز در مواردی که موادی از برنامه پنج‌ساله سابق در قانون پنج‌ساله لاحق تنفیذ شود- هیچ یک از مواد قانون برنامه پنج‌ساله سابق قابلیت اجرا نداشته و به‌واسطه مضی مدت، نسخ و از درجه اعتبار ساقط می‌شوند؛ از این رو ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز که از جنس قوانین موقتی است، در مورخه ۱۳۸۴/۲/۲۸ به‌واسطه انقضای مدت اعتبار آن قانون و عدم تنفیذ آن در قانون برنامه پنج‌ساله چهارم و برنامه‌های بعدی توسعه، نسخ و از درجه اعتبار ساقط شده است.

به این ترتیب عدم تنفیذ ماده ۱۸۷ برنامه سوم در برنامه چهارم توسعه و برنامه‌های پنجم و ششم توسعه بیانگر عزم و اراده قانون‌گذار و نمایندگان ملت در جلوگیری از ادامه اجرای آن ماده و مآلا جلوگیری از ادامه فعالیت مرکز موازی‌سازی‌شده امور مشاوران قوه قضائیه در جذب متقاضیان جدید پروانه مشاوره حقوقی و وکالت است والا چنانچه هدف مقنن، ادامه اجرای ماده ۱۸۷ برنامه سوم بود، قطعا نسبت به تنفیذ آن در برنامه‌های توسعه بعدی، اقدام می‌کرد که مع‌الوصف چنین نشده و ماده مرقوم در برنامه چهارم تنفیذ نشده است. به‌علاوه در این رابطه قسمتی از فراز ۹ از بند «د» گزارش کمیسیون تحقیق و تفحص ویژه مجلس شورای اسلامی از قوه قضائیه در رابطه با عملکرد قوه قضائیه در اجرای ماده ۱۸۷ که در خردادماه سال ۱۳۸۷ منتشر شده حاکی است: «... با پایان‌یافتن قانون برنامه سوم و عدم تنفیذ آن در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فعالیت مرکز مذکور اصولا غیرقانونی می‌باشد که علیرغم تذکرات لازم، این مرکز کماکان به فعالیت غیرقانونی خود ادامه می‌دهد».

ثانیا: دلیل دیگر بی‌اعتباری ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه، عدم تکرار مقررات این ماده در قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰) است. قانون‌گذار مفاد ماده ۱۸۷ برنامه سوم را از مصادیق قوانینی با ماهیت دائمی ندانسته و به همین خاطر نیز قطع نظر از آنکه در هیچ یک از قوانین توسعه‌ای که بعد از خاتمه برنامه سوم توسعه تصویب شده، نسبت به تکرار و تنفیذ مفاد آن ماده اقدامی معمول نداشته است تا به‌واسطه آن، مجوز قانونی لازم در اختیار مرکز برای فعالیت دائمی از حیث برگزاری مجدد آزمون و جذب مشاور حقوقی قرار گیرد.

ثالثا: اقدام دست‌اندرکاران مرکز امور مشاوران وابسته به قوه قضائیه در جمع‌آوری امضا از تعداد معدودی از نمایندگان مجلس هفتم جهت ارائه طرحی به مجلس وقت برای تبدیل ماده ۱۸۷ به یک قانون دائمی نیز خود فی حد ذاته دلالت بر اعتقاد دست‌اندرکاران مرکز امور مشاوران قوه قضائیه به موقتی‌بودن آن ماده و غیرقانونی‌بودن فعالیت مرکز امور مشاوران در جذب افراد جدید و صدور پروانه مشاوره حقوقی متعاقب انقضای موعد اجرای آن دارد.

رابعا: نمایندگان محترم مجلس در زمانی که دولت وقت لایحه بودجه سال ۱۳۸۰ را به مجلس تقدیم کرد و در بند «ج» تبصره ۳۲ این لایحه، بودجه‌ای را برای اجرای ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه در نظر گرفت، با اعتراض به اصل وجودی این ماده از تصویب بودجه لازمه برای اجرای مفاد ماده مرقوم امتناع کرده و مآلا در رأی‌گیری به‌عمل‌آمده در این خصوص بودجه‌ای را برای اجرای مفاد این ماده اختصاص ندادند و به این ترتیب همین اقدام نمایندگان ملت، اجرای ماده ۱۸۷ را ابتر کرد و به اعتبار این ماده و امکان اجرای آن پایان بخشید.

با این وصف، تردیدی وجود ندارد که آیین‌نامه اجرائی جدید ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه برای قانونی منسوخ نوشته شده است و به این ترتیب تهیه آیین‌نامه اجرائی برای قانونی منسوخ و بی‌اعتبار که حتی در زمان تصویب نیز با عنایت به وجود قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت، نیازی به تصویب و اجرای آن نبوده است، محل تأمل و مصداق اعتباربخشیدن به قانونی فاقد اعتبار، از طریق تصویب آیین‌نامه اجرائی و دخالت در امر تقنین از ناحیه قوه قضائیه است. البته برخی از دست‌اندرکاران مرکز معتقدند که این آیین‌نامه از زمره آیین‌نامه‌های مستقل است که نیازی به وجود قانون قبلی ندارد. این در حالی است که تصویت آیین‌نامه مستقل به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساسی تنها در صلاحیت هیئت وزیران یا وزیر مستقل است و مقامات دیگر ازجمله رئیس قوه قضائیه حق وضع آن را ندارند.

البته برخی برای قانونی‌جلوه‌دادن فعالیت مرکز به بند «چ» ماده (۸۸) قانون برنامه ششم استناد می‌کنند این در حالی است که بند «چ» ماده (۸۸) قانون برنامه ششم در مقام الحاق یک ماده به قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران بوده است و نه در مقام اعطای مجوز به فعالیت آن مرکز.

ماده (۵۹) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران بیان می‌کند: «قوه قضائیه، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و کانون وکلای دادگستری موظف‌اند بیست‌وپنج درصد (۲۵٪) سهمیه صدور پروانه سردفتری و وکالت و مجوز کارشناسان رسمی دادگستری را به خانواده شاهد، جانبازان بیست‌وپنج درصد (۲۵٪) و بالاتر و آزادگان با شش ماه سابقه اسارت و رزمندگان با شش ماه سابقه حضور در جبهه و در صورت واجد شرایط بودن اختصاص دهند».پس از آن ماده (۵۹) مکرر (بند «چ» ماده (۸۸) قانون برنامه ششم) این سهمیه را به ۳۰ درصد ارتقا داده و همچنین کانون کارشناسان رسمی و مرکز امور وکلا و مشاوران حقوقی و کارشناسان رسمی دادگستری را نیز به آن اضافه کرده که به نوعی توضیح ماده (۵۹) مذکور است و قانون‌گذار درصدد افزایش سهمیه به ایثارگران است. در نتیجه ادامه فعالیت در اعطای مجوز وکالت که طبق همان ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم است فاقد محمل قانونی است و متأسفانه مجددا شاهد آن هستیم که رئیس قوه قضائیه (سابق) آیین‌نامه‌ای برخلاف قانون تصویب کرده و آشکارا برخلاف اصول قانونی اساسی و اصل تفکیک قوا مبادرت به دخالت در قانون‌گذاری کرده و شوربختانه با توجه به قوانین فعلی تصمیمات رئیس قوه ولو برخلاف قانون اساسی دارای مصونیت و غیر قابل ابطال است و همین امر موجبات سوءاستفاده از قدرت و اختیارات قانونی را فراهم کرده است.

روزنه

سردار حاجی‌زاده:

پهپاد آمریکایی را یک نیروی آتش‌به‌اختیار ساقط کرد

● **تسنیم:** فرمانده نیروی هوافضای سپاه درباره زدن پهپاد MQ-4 آمریکایی گفت: ما در این عملیات می‌توانستیم علاوه بر زدن پهپاد آمریکایی که فقط چند کیلومتر وارد فضای آسمان کشورمان شده بود، هواپیمای با سرنشین آنها یعنی P8 را هم که ۳۵ سرنشین داشت، مورد اصابت قرار دهیم ولی این کار را نکردیم و دلیل تقدیر ترامپ هم همین بود. سردار حاجی‌زاده افزود: ما حتی نسبت‌به تجاوز به یک متر از فضای آسمان کشورمان هم حساس هستیم و زدن پهپاد آمریکایی یک هشدار به آنها بود. او درباره عکس‌العمل ایران درصورت مقابله‌به‌مثل آمریکایی‌ها در آن واقعه عنوان کرد: اگر آمریکایی‌ها واکنش نشان می‌دادند و حتی اگر یک زمین خالی ما را هم می‌زدند، به آنها پاسخ می‌دادیم و در این صورت اگر آنها مجددا جواب می‌دادند، جنگ شروع می‌شد.فرمانده نیروی هوافضای سپاه با بیان اینکه در آن مقطع همه نیروهای ما آماده‌باش بودند، گفت: به‌طور مشخص پایگاه العدید (پایگاه آمریکایی‌ها در قطر)، پایگاه الظفره (پایگاه آمریکایی‌ها در امارات) و یک ناو آمریکایی در دریای عمان هدف‌گیری شده بود که در صورت واکنش آمریکا، آنها را مورد اصابت قرار می‌دادیم. لازم است همه بدانند که تمامی پایگاه‌های آمریکایی و شناورهای آنها تا فاصله دو هزار کیلومتری زیر برد موشک‌های ما قرار دارد.سردار حاجی‌زاده با اشاره به موضوع تفاوت عمل در آفند (حمله) و پدافند (دفاع) گفت: در آفند، نیروهای عمل‌کننده، قبل از عملیات دستور می‌گیرند، ولی در پدافند ممکن است یک افسر جزء عمل‌کننده، بنا بر دستورالعمل، آتش‌به‌اختیار عمل کند. در موضوع زدن پهپاد آمریکایی نیز همین اتفاق افتاد و خود من بعد از زدن پهپاد متوجه شدم.فرمانده نیروی هوافضای سپاه با ابراز اینکه نه ما و نه آمریکایی‌ها قصدی برای جنگ نداریم، افزود: البته ممکن است نیروهای در میدان که در تماس با هم هستند، دست به چنین اقدامی بزنند که در این صورت ممکن است جنگی شروع شود. ما همواره خودمان را برای یک جنگ تمام‌عیار آماده کرده‌ایم.

بازدید فرمانده نیروی پدافند هوایی ارتش از سایت رادار طبس

● **ایسنا:** فرمانده نیروی پدافند هوایی ارتش با حضور در منطقه پدافند هوایی شرق کشور و سایت راداری طبس، از بخش‌های مختلف این مکان‌ها بازدید کرد. امیر سرتیپ علیرضا صباحی‌فرد در این بازدید گفت: سایت رادار نظیر طبس یک سایت راداری بی‌نظیر است که نماد عزم و اراده جوانان این مرز و بوم برای خوداتکایی است. این سایت امروز نقش مؤثری در پوشش راداری و کشف و شناسایی اهداف در منطقه شرق کشور برعهده دارد. با استقرار سایت راداری نظیر در طبس، آسمان شرق کشور در پوشش کامل پدافند هوایی قرار دارد.او افزود: تمام مراحل ساخت سایت راداری نظیر، از مکان‌یابی تا ساخت رادار قدرتمند و متناسب با این منطقه، به‌دست کارکنان جوان پدافند هوایی ارتش انجام شده و نمایانگر اقتدار کشور در حوزه دفاع هوایی است.

سردار جلالی:

ساقط‌کردن پهپاد آمریکایی قدرت بازدارندگی قاطع ایجاد کرد

● **ایلنا:** رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور گفت: ساقط‌کردن پهپاد متجاوز آمریکایی برای جمهوری اسلامی ایران، قدرت بازدارندگی قاطع ایجاد کرد و بخش زیادی از تهدیدهای دشمن که در ارتفاع بالا وجود داشت، منتفی شد.سردار غلامرضا جلالی با بیان اینکه به تجاوز پهپاد پیشرفته آمریکایی پاسخ جدی و بازدارندگی خود را در این بخش نشان دادیم، افزود: ساقط‌کردن این پهپاد نشان داد امکان عملیات نظامی برای آمریکایی‌ها وجود ندارد و این موضوع اثرات راهبردی داشت. آمریکا تلاش می‌کرد جنگ را به عنوان شبح بالای سر ملت ایران برای ایجاد دوقطبی در کشور نگه دارد و به لطف برخی از جریان‌های همراه او در داخل برای مردم ترس ایجاد کند، اما با زدن پهپاد آمریکایی به این تهدیدها پاسخ دادیم و بازدارندگی ایجاد شد.او گفت: برخی کشورهای منطقه که از آمریکایی‌ها برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران دعوت می‌کردند، با ساقط‌شدن پهپاد آمریکایی از حالت تخاصمی خارج شدند و به سمت رفتار دوستانه رفتند و فهمیدند اگر جنگی شود آنها هیزم آن آتش خواهند بود. سرنگونی پهپاد آمریکایی قدرت سیاسی کشور را نیز افزایش داد.سردار جلالی افزود: آمریکا پس از سرنگونی پهپادش ضربه حیثیتی خورد و در پی این است که آن را کنترل کند، آمریکایی‌ها ابتدا گفتند یکی از پهپادهای ایران را زده‌اند، اما مشخص شد دروغ گفته‌اند و در مرحله بعد گفتند به مراکز حساس ما حمله سایبری کرده‌اند، اما با بررسی‌هایی که انجام دادیم به این مسئله برخورد نکرده‌ایم. آمریکایی‌ها نیز دراین‌باره گفتند ما حمله کردیم، اما سامانه‌های آنها آن‌قدر قوی بود که حملات ما هیچ اثری نداشت.